

## ندامت و پشیمانی بزرگ‌ترین عذاب جهنم است

استاد درس خارج حوزه قم گفت: در برخی تعبیر آمده که شاید ندامت و پشیمانی یکی از بزرگترین عذاب‌های جهنم باشد.



استاد درس خارج حوزه قم گفت: در برخی تعبیر آمده که شاید ندامت و پشیمانی یکی از بزرگترین عذاب‌های جهنم باشد. پشیمانی قابل جبران نیست و انسان فقط در آن وقت خواهد گفت که ای کاش، ای کاش و ناخن به دهان خواهد گزید، ولی پشیمانی سودی ندارد.

مهدی هادوی تهرانی گزارشی از این سخنرانی، استاد درس خارج حوزه علمیه، اول اسفند در ادامه سلسله مباحث تفسیری سوره مبارکه واقعه گفت: در ادامه تفسیر به آیه ۶۲ سوره واقعه رسیدیم؛ «وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ قُلُوبًا تَذَكَّرُونَ»، شیخ طوسی فرمود نشئه اولی به معنای دنیا و نشئه ثانی به معنای آخرت است و آیه بر این موضوع تأکید می‌کند که شما قدرت خداوند در دنیا را ملاحظه کردید و اینکه شما را آفرید آیا او قادر بر امور آخرت و بازآفرینی شما نخواهد بود چرا تفکر نمی‌کنید؟

وی افزود: علامه طباطبایی ضمن پذیرش نظر شیخ طوسی آورده است که خداوند دنیا را باطل و لغو و بیهوده خلق نکرده است یعنی وقتی می‌دانید نشئه اولی لغو نیست پس نشئه ثانی هم وجود دارد. علامه به سوره یس هم استناد کرده است که خداوند در آنجا تأکید می‌کند: «فَلْيُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ». برداشت نادرست زمخشری

آیت‌الله هادوی تهرانی اضافه کرد: زمخشری درباره این آیه گفته است آیه قیاس را مورد تأیید قرار می‌دهد و اینکه شیعه بگوید اول من قاس هو ابلیس، درست نیست زیرا خود قرآن گفته است، چون نشئه اول وجود دارد آخرت هم هست. علامه طباطبایی نظر زمخشری را رد کرده و می‌گوید شیعه قیاس منطقی و برهانی را قبول دارد و این آیه مشمول همین نوع قیاس است نه قیاس فقهی.

وی افزود: آلوسی هم در روح المعانی که علامه به آن توجه داشته و آورده است کسی که بر نشئه اولی قدرت دارد بر ایجاد آخرت قادرتر است، زیرا مواد آن وجود دارد در صورتی که خلقت اولیه از هیچ بوده است. علامه این حرف را نادرست می‌داند و می‌گوید، آلوسی فکر کرده است که وقتی مواد سازنده دنیا خلق شدند دیگر نیازی به خالق ندارند. در خلقت اول اینها نبودند و پدید آمدند ولی در خلقت دوم این مواد وجود دارد و خدا آن را به نشئه ثانی تبدیل می‌کند، در حالی که این تصور درست نیست، زیرا چیزی که خلق شد آن به آن و لحظه به لحظه به خدا و خالق نیاز دارد و اگر خداوند یک لحظه از خالقیت دست بردارد هیچ نخواهد بود.

نظریات کفرآمیز درباره خدا

استاد درس خارج حوزه علمیه اظهار کرد: علامه طباطبایی در اینجا بحث دقیق فلسفی کرده است. در فلسفه توضیح داده شده که وجود ممکن الوجود دائماً وابسته به واجب الوجود است نه اینکه موجودی خلق می‌شود و خود به خود باقی است و به حیاتش ادامه می‌دهد. این بحث در قرون وسطی مطرح بود که خدا دنیا را آفرید و رها کرد و بازنشسته شده است. عده‌ای برای اینکه آن را درست کنند گفتند خداوند دنیا را آفریده است، ولی چون هر چند وقتی نظم عالم کمی بهم می‌خورد خدا دوباره آن را تنظیم می‌کند که به آن نظریه ساعت ساز ناشی گویند. این تصورات در دنیای غرب به خاطر ضعف قدرت فلسفی این افراد بوده است، در حالی که خداوند دنیا را آفریده است و فیض مستمری هم نسبت به عالم دارد و یک لحظه هم اگر آن را رها کند عالم به هم می‌ریزد.

وی اضافه کرد: در آیه ۶۳ فرموده است: «أَقْرَأْتُمْ مَا تَحْرُتُونَ»؛ آیا آنچه را کشت می‌کنید ملاحظه کرده‌اید؛ اید همچنین در آیه «أَقْرَأْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ»؛ آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید؛ اید، در آیه ۷۱ «أَقْرَأْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ»؛ این سه آیه با تعبیری مشابه به سه چیز اشاره دارد؛ اول آنچه کشت می‌کنید؛ دوم آبی که می‌نوشید و سوم آتشی که برمی‌افروزید؛ علامه طباطبایی فرموده که این سه چیز از اهم اموری است که انسان با آن در دنیا زندگی می‌کند و حالا از انسان باید پرسید آیا به این چیزها توجه دارید یا از روی بی‌توجهی و صرفاً برای اینکه مصرف کرده باشید می‌خورید و می‌کارید و آتش روشن می‌کنید؟ خداشناسی نیازمند فلسفه و حوزه و دانشگاه نیست

آیت الله هادوی تهرانی گفت: گاهی بشر به اندازه بهائم هم توجه ندارد یعنی می خورد و می نوشد و از نعمات استفاده می کند بدون اینکه توجه داشته باشد این نعمت از کجا آمده و چه کسی آن را خلق کرده است. بارها گفته ام خدانشناسی نیاز به کلام و فلسفه و برهان و حوزه و دانشگاه و استدلال پیچیده فلسفی و غیر آن ندارد و خدا فرموده است اگر شما یک ذره به دور و بر خودتان نگاه کنید و در حد همین ظواهر باید به خدا و قیامت و حقایق عالم باور کنید و چیزی نیست که به آموزش نیاز داشته باشد. به همین دلیل قرآن خودش را مذکر و مذكر و یادآوری کننده می داند.

وی افزود: شما یک دانه را می کارید و تبدیل به گیاه می شود و آن گیاه ثمر و میوه می دهد، ولی بدانید که شما این دانه را کاشتید ولی بدانید خداست که دانه داخل خاک را رشد می دهد و به میوه و ثمر می رساند. هزاران عامل جمع شده تا این دانه رشد کرده است؛ خورشیدی که می تابد، قابلیت رشد در دانه و اینکه ریشه از زمین آب و غذا می گیرد و هزاران عامل دیگر در این مسئله دخیل است. کتاب خلقت و آفرینش و تکوین هم برای پی بردن به قدرت خدا کافی است تا انسان بفهمد که عالم بدون قدرت و حکمت و علم نمی چرخد، بلکه خالقی وجود دارد که هر لحظه فیضش عالم را اداره می کند.

استاد حوزه گفت: در آیه ۵۷ فرمود: «تَحْنُ خَلْقًا كَمْ قَلْوًا تُصَدِّقُونَ»؛ ما شما را خلق کردیم آیا تصدیق نمی کنید؟ در آیه ۶۲ هم فرمود شما زندگی دنیا را می شناسید و آیا باعث یادآوری برای شما نیست که وقتی ما قادر به خلق دنیا هستیم آیا آخرت را نمی توانیم خلق کنیم؟ هدف خداوند گیاه و آب و آتش شناسی نیست که در این آیات به آن اشاره شده است بلکه هدف رسیدن به قیامت و حقیقت و خلقت دوباره است؛ فرموده است آیا آنچه زراعت کرده اید دیده اید؟ آیا شما آن را بارور می کنید یا ما؟ ما اگر بخواهیم قادریم همین چیزهایی که کاشته اید تبدیل به کاه و مواد بی ارزش بکنیم و آن وقت شما گرفتار ندامت خواهید شد (فظلمت تفکھون). به تعبیر شیخ طوسی، قتاده و ابن عباس و مجاهد این تعبیر را تعجب کردن و برخی دیگر از مفسران آن را پشیمانی معنا کرده اند.

هادوی تهرانی بیان کرد: شیخ طوسی فرموده است: «فظلمت تفکھون»؛ یعنی شما به سمت پشیمانی می روید. وی معتقد است اصل تفکّه به معنای میوه خوردن است و فکاهی از این واژه گرفته شده است؛ شیخ معتقد است این تعبیر، استعاره برای این است که شما چگونه می خواهید با فکاهی غم و غصه خود را از بین ببرید؟ در آیه بعد هم ادامه داده است که إِنْ لَّمْ تُعْرَفُوا؛ [و می&rlm؛ گویند] واقعا ما زبان زده&rlm؛ ایم. بَلْ تَحْنُ مَحْرُومُونَ؛ بلکه ما محروم شدگانیم. خداوند در این آیات درصدد بیان این است که بگوید بذری که شما می کارید و رشد می کند و ثمر و میوه می دهد محصول قدرت شما نیست و اگر بخواهیم آن را تبدیل به هیزم و چوب خشک می کنیم و شما آن وقت دائماً در پشیمانی خواهید بود و خواهید گفت ما در ضرر و زیان هستیم. دنیا؛ مزرعه آخرت

استاد حوزه بیان کرد: شاید خداوند می خواهد بگوید اگر اعمال شما در زندگی محصول واقعی نداشته باشد و حطام باشد در آخرت قرار است از چه چیزی بهره برداری کنید. دنیا مزرعه آخرت است و اگر انسان کاری بکند که در آخرت ثمر و فایده ندارد به چه سرنوشتی گرفتار خواهد شد؟ در برخی تعابیر آمده که شاید یکی از بزرگترین عذاب های جهنم، ندامت و پشیمانی است، پشیمانی که قابل جبران نیست و انسان فقط در آن وقت خواهد گفت ای کاش، ای کاش و ناخن به دهان خواهد گزید، ولی این پشیمانی سودی ندارد.

وی تأکید کرد: ما فرصت زیادی در دنیا داریم که آن را به بطالت می گذرانیم و کار خیر انجام نمی دهیم، در حالی که حداقل می توانیم ذکر بگوییم و صلوات بفرستیم. مرحوم آیت الله بهجت حتی یک لحظه را برای ذکر و صلوات و یاد خدا از دست نمی داد ولی ما نه اهل ذکر و نه اهل ذکر هستیم و در حسرت روز قیامت دنبال این خواهیم بود که همسر و برادر و خواهر و والدین یا فرزندان یاد ما بیفتند و حمد و صلواتی بفرستند. آیت الله قاضی زیاد به قبرستان می رفت زیرا واقعا مکان و آموزشگاه عرفان است و انسان باید ببیند وقتی مرد و از دنیا رفت آیا با دست پر خواهد رفت یا دست خالی؟ بنابراین فقط حسرت خواهیم خورد که آن هم سودی ندارد.